

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۷
صفحات: ۸۳-۱۰۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

عوامل موثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۱۹۹۱-۲۰۱۷)

دکتر عزیز جوانپور هروی* / احسان جعفری فر**

چکیده

رژیم صهیونیستی به سبب قرار گرفتن در بلوک غرب در دوران جنگ سرد که رقابت سختی بین دو بلوک شرق و غرب بود نفوذ و حضوری در صحنه جمهوری‌های شوروی نداشت؛ اما با پایان جنگ سرد و شروع دوران اصلاحات گورباچف، زمینه و فرصت‌های نفوذ رژیم صهیونیستی فراهم شد و با استقلال آسیای مرکزی و قفقاز، این رژیم اهداف و برنامه‌های خاصی برای نفوذ در این کشورها طراحی کرد و به اجرا درآورد. با توجه به اینکه اسرائیل همواره در جهت توسعه و گسترش مرزهای سرزمینی، قدرت و امنیت خویش در منطقه خاورمیانه می‌کوشد از همین رو روابط با کشور آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی را در دستور کار خود قرار داد. در این مقاله، به روش توصیفی و تحلیلی، سؤال اصلی این است که مهم‌ترین عوامل موثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان چیست؟ و در پاسخ به پرسش مطرح‌شده این فرضیه در نظر گرفته شده است که راهبرد پیرامونی اسرائیل، همکاری نظامی، اهمیت ژئوپلیتیکی و وجود ذخایر انرژی و یهودیان آذربایجان سبب نزدیکی روابط اسرائیل و کشور شده است.

کلید واژه‌ها

امنیت، اسرائیل، منطقه قفقاز جنوبی، دکترین بن‌گورین، جمهوری آذربایجان.

* استادیار علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

ehsan_jafari_far@yahoo.com

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

کشور آذربایجان به‌عنوان کشوری تازه تأسیس یافته که پس از فروپاشی شوروی پا به عرصه بین‌الملل گذاشته است. این کشور از همان آغاز تشکیل با نگرانی‌هایی چون استقلال و برقراری ثبات روبرو بوده است و تلاش داشته تا با نزدیک شدن به غرب و متحدانش چون اسرائیل ثبات و امنیت خود را تأمین سازد. بازتاب‌ها روابط اسرائیل با آذربایجان از سوی کشورهای چون ایران و روسیه به‌صورت منفی بوده است. از طرفی روسیه که آذربایجان را به‌عنوان خارج نزدیک در نظر می‌گیرد حضور کشورهای غربی و هم‌پیمانان آن‌ها از جمله رژیم صهیونیستی را تهدید علیه خود می‌بیند و از طرف دیگر ایران با توجه به همسایگی کشور آذربایجان روابط اسرائیل با این کشور را تهدید علیه امنیت خود تلقی می‌کند. حضور اسرائیل در مرزهای شمال ایران و روابط اسرائیل با آذربایجان از نگاه اسرائیل به‌منزله نزدیک شدن به ایران و ایجاد موازنه تهدید است اما به‌رحال، اسرائیل از آوریل ۱۹۹۲ میلادی با جمهوری آذربایجان بصورت دوفاکتو روابط دیپلماتیک برقرار کرد و اولین دیدار رسمی مقامات آذربایجان از اسرائیل در سپتامبر ۱۹۹۲ صورت گرفت. در فوریه ۱۹۹۳ سفارت اسرائیل در در باکو افتتاح گردید و تا به امروز مناسبات و قراردادهای متعدد در حوزه‌های انرژی، نظامی و سرمایه‌گذاری بین آذربایجان و اسرائیل برقرار شده است. در این مقاله، به روش توصیفی و تحلیلی، سؤال اصلی این است مهم‌ترین عوامل موثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان چیست؟ و در پاسخ به پرسش مطرح‌شده این فرضیه در نظر گرفته‌شده است که راهبرد پیرامونی اسرائیل، همکاری نظامی، اهمیت ژئوپلیتیکی و وجود ذخایر انرژی و یهودیان آذربایجان سبب نزدیکی روابط اسرائیل و کشور شده است.

چارچوب نظری

نواقح‌گرایی با تأکید بر مسئله سیستم، بهترین روش تحلیل فرایند از منظر قدرت است. فرایندهای قدرت در ارتباط با مفاهیمی همچون امنیت، قدرت نسبی، ساختار، بقاء و غیره تعریف می‌گردد. رهیافتی که هر دولت در نظام بین‌الملل را تحت تأثیر کنش ساختارهای متعارض نظام بین‌الملل به تصویر می‌کشد. این نظریه بر فرایند شکل‌گیری معمای امنیت تمرکز دارد. از جهت اینکه نواقح‌گرایی ساختار بین‌الملل را آنارشی مفروض می‌دارد، به دلیل همین امر و پیش‌فرض نبود دولت هژمونیک که امنیت جهان را تأمین کند، دولت‌ها مجبور

هستند جهت بقای خود از اصل خودیاری بهره‌جویند. نوواقع‌گرایی به این مسئله که افزایش قدرت یک دولت به کاهش قدرت دولت دیگر می‌انجامد اذعان دارد؛ از این نظر معمای امنیت در یک فضای آنارشی هرج‌ومرج گونه است که به صحنه می‌آید (Resende Santos, 2007:56). بر اساس برداشت واقع‌گرایی، دولت‌ها برای تضمین بقا و امنیت خود در نظام بین‌المللی آنارشی، قدرت خود را بیشینه می‌سازند و برای گریز از افزایش قدرت دشمنان قوی‌تری، موازنه قدرت را تداوم می‌بخشند. تعریف واقع‌گرایان از امنیت، دولت‌محور است. در این رهیافت، دولت کنشگری است که هم تهدید می‌کند و هم تهدید می‌شود. اغلب تهدیدها خاستگاه خارجی و ماهیت نظامی دارند. هدف تهدیدها عمدتاً تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها است (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۴). واقع‌گرایی مبتنی بر چند مفروض اساسی است:

۱- دولت واحد اصلی تحلیل است.

۲- قدرت و امنیت ارزش‌های حیاتی دولت‌اند.

۳- دولت برای تأمین منافع ملی به شیوع عقلانی رفتار می‌کنند.

۴- آنارشی به‌عنوان مشخصه نظام بین‌الملل، معمای امنیت را در روابط بین‌الملل را در روابط میان دولت‌ها به وجود آورده است (همان، ۲۰-۲۱).

حال این سؤال پیش می‌آید که کشوری که تهدید را درک نموده است چه راهبردی را اتخاذ می‌نماید؟ دست به توازن کشور تهدیدکننده می‌زند یا به کشور تهدیدکننده ملحق می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید میزان قدرت کشوری که تهدید را درک کرده است مدنظر قرارداد. نکته محوری که والت در اینجا به آن اشاره می‌کند این مسئله است که کشورها با توجه به قدرت خود، دست به توازنی اتحاد با طرف قوی‌تری زنند. کشورهای قدرتمندتر معمولاً اصل توازن را موردتوجه قرار می‌دهند درحالی‌که کشورهای ضعیف‌تر این رویکرد مبدع اتحاد با کشور تهدیدکننده را موفقیت‌آمیزتر می‌دانند (ترابی و کیانی، ۱۳۹۳: ۵).

در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت اساسی‌ترین مسئله است؛ به‌عبارت‌دیگر نگاه رئالیست‌های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رئالیسم تهاجمی، مطالعات روابط بین‌الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و درواقع این دو رویکرد درصدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشی بین‌المللی برآمدند. سؤال اصلی برای این گروه از رئالیست‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصولاً دولت‌ها چه زمانی بایستی به بیشینه‌سازی قدرت روی آورند. پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده این دو نحله رئالیستی را متمایز

ساخته است. (Kirshner, 2010:4) به گفته والت تهدید از قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت آفندی و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری داشته باشد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را از کشوری که منابع کمتری دارد، مطرح سازد. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد که در صورت برابر بودن سایر شرایط، کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت آفندی، توانایی یک دولت برای تهدید کردن حاکمیتی تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. نیت تجاوزکارانه تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (گریفیتس، ۱۳۸۸:۳۲۳). والت در اصطلاح نظریه موازنه قدرت در کنار تمایز مفهوم قدرت و تهدید چهار مؤلفه را به‌عنوان عوامل تهدیدگر توصیف کرد:

۱- قابلیت کلی؛ (جمعیت، قدرت اقتصادی، نظامی و...): این شاخص، وجه اشتراک موازنه قوا و موازنه تهدید است.

۲- مجاورت جغرافیا (نزدیکی تهدید): میان درک از تهدید و نزدیکی جغرافیایی رابطه مجاورت جغرافیایی مستقیمی وجود دارد.

۳. قابلیت‌های تهاجمی: هرچه میزان توانمندی‌های تهاجمی یک کشور بیشتر باشد. دغدغه‌های امنیتی آن کشور به همان میزان افزایش می‌یابد.

۴- نیت تهاجمی: دولت‌ها دارای نیت تهاجمی در مقایسه با دولت‌های حافظ وضع موجود متضمن تهدیدهای بیشتری هستند (حاتمی، ۱۳۹۴:۳۱).

عوامل مؤثر بر روابط اسرائیل و آذربایجان

راهبرد پیرامونی اسرائیل

اسرائیل در دسامبر سال ۱۹۹۱ استقلال جمهوری آذربایجان از شوروی سابق را به رسمیت شناخت و در آوریل ۱۹۹۲ با این کشور روابط دیپلماتیک برقرار کرد. سیاست خارجی فعال اسرائیل در منطقه قفقاز بعد از فروپاشی شوروی به‌صورت ویژه در علاقه‌مندی تل‌آویو به باکو در امتداد سیاستی را می‌توان مشاهده کرد که اسرائیل در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی آن را دنبال می‌کرد. رابطه اسرائیل با آذربایجان می‌تواند به‌عنوان بخشی از تلاش این کشور برای شکستن ایزوله‌ای که در جهان اسلام با آن روبرو است تفسیر شود. از زمان تشکیل اسرائیل موجودیت این رژیم مورد حمله کشورهای عرب قرار گرفت و مجموعه‌ای از دشمنان این کشور

را احاطه کردند. به‌مرورزمان، یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی این کشور بر گسترش رابطه با کشورهای مسلمان بر عرب قرار گرفت تا به این کشور کمک کند از طریق یافتن متحدانی جدید چهره ضد اسلامی که از این کشور ترسیم‌شده است را بهبود بخشد و در سطح بین‌المللی مشروعیت خود را ارتقاء دهد. به همین دلیل یافتن متحد خاصی فراتر از جهان عرب در میان کشورهای مسلمان از جمله اهداف استراتژیک اسرائیل برای مدت‌زمانی طولانی بوده است (Bourtman, 2006:53). در واقع باید روابط آن‌ها را در اعلان راهبرد هوشمندانه‌ی اسرائیل در ۱۹۵۰ برای خروج از بحران عدم شناسایی و فقدان مشروعیت در محیطی که از آن به‌عنوان اشغالگر یاد می‌شد بررسی کرد. دکتر بن‌گورین^۱ که تحت عنوان «اتحاد با پیرامون» نیز نامیده می‌شود، این راهبرد به‌منظور شکستن حلقه محاصره کشورهای مخالف اسرائیل در منطقه، حمایت از یهودیان ساکن منطقه، جلب همکاری و حمایت دیپلماتیک کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی، واگرایی در روابط کشورهای منطقه با ایران و نیز اعمال فشار بر محیط پیرامونی و امنیت ملی ایران تفسیر نیز می‌شود تا با عملیاتی کردن آن به کسب متحد منجر شود. طبق این دکترین جمهوری تازه مستقل آذربایجان که با مسائلی از بعد استقلال روبرو شده است می‌تواند زمینه خوبی برای این روابط را ایجاد کند. اسرائیل تلاش داشته است تا با درک شرایط این جمهوری بعد از فروپاشی اتحاد شوروی درصدد استفاده از فرصتی برآید تا از این مسئله برای اعمال دکترین پیرامونی در رابطه با این کشور استفاده کند (Murinson, 2014: 19).

درمجموع اولویت‌های راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز و برقراری روابط با آذربایجان عبارت‌اند از:

- ۱- افزایش مشروعیت جهانی و منطقه‌ای با برقراری روابط سیاسی با جمهوری‌های مسلمان منطقه؛
۲. تلاش برای ارتقای موقعیت یهودیان و تسهیل مهاجرت آنان به سرزمین‌های اشغالی؛
- ۳- جلوگیری از توسعه روابط جمهوری‌های قفقاز با ایران و نفوذ الگوی حکومتی ایران بر منطقه؛
- ۴- حضور در مرزهای شمالی ایران و ایجاد نگرانی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران (حضی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۶۰).
- ۵- تأثیرگذاری جهانی بانفوذ بر کشورهای دارای ذخایر انرژی

¹ Ben-Gurion Doctrine

۶- ایجاد حیاط خلوت در منطقه برای انجام اقدامات نظامی

از طرف دیگر ماهیت سکولار گونه حکومت در جمهوری آذربایجان و گرایش غرب گرایانه بعلاوه نبود بنیادگرایی مذهبی در میان مردم آذربایجان نیز زمینه‌ی مناسبی برای ایجاد حس دوستی و حمایت از اسرائیل در بین آذربایجانی‌ها ایجاد می‌کند (Ehrmann & Others, 2013:4). در نگاه اسرائیل آذربایجان به‌عنوان شریک راهبردی اسرائیل دیده می‌شود. آذربایجان و اسرائیل در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی همکاری دوجانبه دارند. برای مثال طبق گزارش‌ها، اسرائیل به بازسازی ارتش جمهوری آذربایجان کمک کرده می‌کند و جمهوری آذربایجان بیش از بیست درصد نیازهای نفتی اسرائیل را تأمین می‌کند. (BBC, 2012) هم‌جواری ایران و آذربایجان نیز می‌تواند دلیل برای تحکیم روابط آذربایجان و اسرائیل باشد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

موقعیت ژئوپلیتیک آذربایجان

روابط اسرائیل و آذربایجان در جهت ایجاد محدودیت برای کشورهای چوچون ایران و روسیه نیز قابل توجه است. بر اساس گزارش محرمانه‌ای که سازمان سیا و وزارت امور خارجه اسرائیل تدوین کرده توصیه شده است که تلاش‌های اسرائیل در جمهوری‌های به‌جامانده از اتحاد شوروی به مسیری هدایت شود که سبب محدودیت نفوذ ایران و روسیه در این مناطق شود. در این سند از جمهوری آذربایجان به‌عنوان کوبای آمریکا در قفقاز نام‌برده شده است. به نقش ترکیه نیز به‌عنوان هم‌پیمان اصلی اسرائیل در منطقه اشاره شده است. این گزارش باهدف‌های جمهوری آذربایجان هماهنگ است. زیرا جمهوری آذربایجان از همان ابتدای شکل‌گیری، امنیت خود را در خروج از دامنه نفوذ روسیه و پیوستن و همکاری با غرب جست‌وجو می‌کرد. برای آذربایجان غرب‌گرا، تل‌آویو بهترین گزینه برای همکاری است. اسرائیل دولتی غیردینی و مردم‌سالار که دستاوردهای فنی بالایی دارد هماهنگی دولت باکو را با سیستم نوین بین‌المللی، تسریع و تسهیل خواهد کرد. به‌عبارت‌دیگر از دیدگاه مقامات جمهوری آذربایجان، اسرائیل همچون دروازه ورود به غرب است. در همین زمینه در اوت ۱۹۹۲ بین اسرائیل و آمریکا طرح مشترکی در مورد جمهوری‌های نو استقلال تدوین شد که بر اساس آن آمریکا مخارج مالی لازم، برای انتقال تکنولوژی و تخصص به منطقه تأمین می‌کند. رابطه باکو - تل‌آویو به‌اندازه‌ای عمیق را از راه اسرائیل است که الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان، آن را به کوه یخ تشبیه

کرده است که نهم، آن زیر آب است و قابل مشاهده نیست (یزدانی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۴۱۹). باید توجه داشت سابقه تاریخی در تعمیق این روابط بی تأثیر نیست. بعد از اشغال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۲۰ توسط روسیه، ارتش سرخ امپراتوری روسیه پیشرو نهضت ضد یهودی در اروپا گردید. سربازان ارتش سرخ به صورت سازمان یافته حملاتی را علیه جمعیت یهودی نشین آذربایجان ترتیب داد که طی این حملات، دهها هزار تن از یهودیها را قتل عام کرد. به این ترتیب، روسیه تحت حکمرانی بلشویکها، مانع فعالیت کلیه سازمانهای فرهنگی و علمی و کلوبهای اجتماعی یهودیها در آذربایجان گردید. در حال حاضر، رهبران جمهوری آذربایجان مسرور از داشتن مناسبات خوب تاریخی با اقلیت اشکنازی، سعی در استفاده از این پشتوانه تاریخی برای تعمیق روابط استراتژی با رژیم اسرائیل دارند (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۵). آذربایجان به دنبال استفاده از لابی صهیونیسم برای بهره‌برداری در مناقشه قره‌باغ است. این مسئله با توجه به همسویی و همگرایی نزدیک راهبردی-امنیتی اسرائیل و ایالات متحده برای روسیه به منزله تقویت حضور غرب در نزدیکی مرزهای خود است.

رهبران روسیه بر این باور هستند که آنها با دنیای خصمانه مواجه هستند و توانمندیهای نظامی تنها ابزار معتبر برای مواجهه با تهدیدهای متوجه این کشور به شمار می‌روند. لذا حضور نظامی روسیه در خارج نزدیک از جمله ارمنستان عامل کلیدی در تلاشهای مستمر این کشور در حفظ نفوذ روسیه در مناطقی است که روسیه آن را خارج نزدیک و حوزه نفوذ انحصاری خود قلمداد می‌نماید. همکاریهای نظامی و امنیتی روسیه و ارمنستان و حضور ارمنستان در ترتیبات منطقه‌ای تحت رهبری کرملین نظیر سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به هدف استراتژیک روسیه مبنی بر حضور نظامی و امنیتی در منطقه استراتژیک قفقاز و دور کردن زیرساختهای نظامی غرب از منطقه یاری رسانده است (خیری و ایزدی، ۱۳۹۶: ۷). می‌توان گفت که از دیگر دلایل نزدیکی این است که آذربایجان به عنوان کشور امنیت طلب برای حفظ موجودیت و حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی خود و به سبب نگرانی از دو همسایه شمالی و جنوبی به دنبال نزدیکی با کشورهای غرب و متحدان آن برآمده است و این مسئله به اسرائیل به عنوان یک فرصت مناسب برای ایجاد این رابطه یاری رسانده است.

ذخایر انرژی

جفری کمپ^۱ یکی از ناظران عالی آمریکایی در امور ژئوپلیتیک، دو منطقه خزر و خلیج فارس را «بیضی استراتژیک» تأمین‌کننده انرژی در سده بیست و یکم می‌داند. اساس این تعریف به سبب وجود بیش از ۷۰ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت و ۴۰ درصد از انرژی ذخایر شناخته‌شده گاز جهان در درون و پیرامون کشورهای حاشیه خلیج فارس و حوزه دریای خزر است (آجیلی و بهادر خانی، ۱۳۹۳: ۱۴۸). به‌طور کلی در استراتژی امنیت ملی اسرائیل، به‌ویژه در سال‌های اخیر، قدرت اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. شیمون پرز در گفتگو با گروهی از متخصصان در سال ۱۹۸۹ ادعا کرد که اندازه یا قدرت ارتش اسرائیل عامل تعیین‌کننده قدرت اسرائیل نیست، بلکه موقعیت‌های علمی و تکنولوژیکی آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و با تأکید بر اینکه در دنیای امروز اقتصاد مهم‌تر از هر استراتژی دیگری است درصدد ارائه مدل سیاست اسرائیل برای نفوذ در کشورهای دیگر بود. افزایش قدرت اقتصادی اسرائیل به‌طور هم‌زمان باهدف موازنه قوای نظامی به‌منزله سیاست راهبردی اسرائیل است از همین رو، یکی از اهداف عمده رژیم اسرائیل در سال‌های اخیر، اهداف سلطه‌جویانه اقتصادی در منطقه قفقاز است. رژیم اسرائیل در خاورمیانه اهداف اقتصادی خاصی را دنبال می‌کند که خاورمیانه جدید در دیدگاه شیمون پرز افق این مسئله است. آذربایجان به سبب منابع نفتی گسترده و موقعیت جغرافیایی به‌عنوان کریدور طبیعی شرقی - غربی برای انتقال منابع انرژی موجود در دریای خزر و آسیای میانه است که به همین دلیل از انگیزه‌های اساسی اسرائیل برای شکل دادن و گسترش رابطه با این کشور شد. از زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸، دسترسی به منابع نفت و گاز از موضوعات چالش‌برانگیز برای این رژیم بوده است. چراکه اصلی‌ترین تولیدکنندگان نفت منطقه کشورهای عربی بودند که موجودیت این کشور را به رسمیت نمی‌شناختند. به همین دلیل منطقه سرشار از انرژی خزر برای اسرائیل و اروپا درست در زمانی که سطح تولید در دریای شمال کاهش یافته بود اهمیت اساسی یافت. در دوران جنگ سرد، اسرائیل نفت موردنیاز خود را از مصر، آفریقا و مکزیک تأمین می‌کرد؛ اما از زمان فروپاشی شوروی، اسرائیل اولویت‌های مربوط به خرید منابع انرژی خود را تغییر داده و به‌سوی روسیه و کشورهای تازه استقلال‌یافته متمایل شده است (راد گودرزی، ۱۳۹۵: ۲۰۲).

¹ Geoffrey Kamp

اسرائیل پس از ایتالیا دومین واردکننده نفت آذربایجان است. سرمایه‌گذاری‌های این رژیم در خطوط انرژی نیز بسیار قابل توجه است. دیپلماسی انرژی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری آذربایجان علاوه بر اینکه بر واردات و تأمین نفت و گاز طبیعی از این کشور استوار شده، توانسته است تا شرکت‌های خود را در این کشور نیز وارد کند. در حال حاضر شرکت‌های صهیونیستی در صنعت انرژی جمهوری آذربایجان فعالیت داشته و در این کشور دارای شعبه‌اند. مثل شرکت صهیونیستی مادوسون که عرضه‌کننده فناوری پیشرفته در صنایع نفت و گاز است در جمهوری آذربایجان دارای شعبه است (نیاکوئی و کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۴۹). همچنین سرمایه‌گذاری در پروژه استخراج و انتقال نفت آذربایجان به این رژیم توسط شرکت صهیونیستی سونل یکی از مهم‌ترین موارد آن به شمار می‌رود که در زمان سفر نتانیاهو به آذربایجان در سال ۱۹۹۷ منعقد شد. همکاری در پروژه سوکار^۱ برای بهره‌برداری از میدان نفتی مد اشتدود^۲ تل آيو نیز در جهت گسترش روابط رژیم صهیونیستی با آذربایجان است (نیاکوئی، کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۱). امروزه تخمین زده شده است که آذربایجان معادل ۷ میلیارد بشکه ذخایر نفتی را به خود اختصاص داده و روزانه ۸۷۷ هزار بشکه تولید می‌کند. در مورد گاز، ذخایر آن ۹۰۰ میلیارد مترمکعب (مترمکعب) برای تولید سالانه ۱۶,۲ میلیارد مترمکعب است که در نمودار زیر آمده است:

	Azerbaijan
Population	9,309,000
Oil reserves (billion barrels)	7
Oil production (thousand barrels daily)	877
Gas reserves (trillion cubic metres)	0.9
Gas production (billion cubic metres yearly)	16.2

Note: energy statistics for the year 2013 and extracted from *BP Statistical Review of World Energy 2014*, population and GDP per capita data come from UNdata.

سیاست سرمایه‌گذاری اسرائیل در آذربایجان اهداف دیگری را نیز شامل می‌شود برای مثال با افزایش تقاضای کشورهای غربی به انرژی نفت و گاز، تأمین گاز طبیعی برای کشورهای اروپایی به موضوع مباحث داغی شده شد (آجیلی و بهادر خانی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). توجه اروپاییان به

^۱ SOCAR
^۲ Med Ashdod

منابع عظیم و عمدتاً کشف نشده انرژی در حوزه دریای خزر فرصت‌های جدیدی را در اختیار اعضای ناتو و متحدان آن قرار داد تا وابستگی خود را به واردات از روسیه کاهش دهند. سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی در کشورهایی چون آذربایجان در این راستا در دستور کار قرار گرفت این در شرایطی است که روسیه دارای منابع حیاتی چشمگیری در قفقاز است و به آن به‌عنوان قلمروی سنتی خود می‌نگرد. قفقاز از منظر روسیه، در یک نگاه کلاسیک منطقه‌ای است واقع در پیرامون و یا همان خارج نزدیک روسیه. روسیه از بکار بردن عباراتی مانند پیرامون و خارج نزدیک، اهدافی را مدنظر دارد: «واژه پیرامونی به خطی اطلاق می‌گردد که سایر قدرت‌ها در خارج آن قرار دارد» (فرجی راد و شعباتی، ۱۰: ۱۳۹۲). در واقع، سرمایه‌گذاری در آذربایجان سبب خواهد شد که قدرت منطقه‌ای اسرائیل برای چانه‌زنی‌ها و همراهی با درخواست‌های خود از اروپاییان و کشورهای چو روسیه نیز بالا رود. از سوی دیگر آذربایجان با نزدیک شدن به اسرائیل درصدد جلب نظر آمریکا برای حمایت سیاسی در مسائلی چون بحران قره‌باغ است.

سیاست‌گذاران رژیم صهیونیستی هم از نظر مالی و هم از لحاظ سیاسی به پروژه باکو - تفلیس جیحان کمک‌های شایانی کرده‌اند. در همین راستا نیاز تل‌آویو به منابع نفتی جمهوری آذربایجان و - منطقه دریای خزر، تغییر محسوسی در اعمال عرضه نفت این منطقه به رژیم صهیونیستی و همچنین از این طریق به شرق آسیا فراهم آورده است که این امر منافع بازرگانی بسزایی را برای اسرائیل و همچنین جمهوری آذربایجان در این خط لوله ایجاد می‌کند. اسرائیل حتی تا زمانی که پروژه باکو تفلیس جیحان افتتاح نشده بود، یک مشتری کلیدی برای نفت جمهوری آذربایجان به شمار می‌رفت و هم‌اکنون با توجه به افتتاح این خط لوله و با توجه به مجاورت بندر جیحان ترکیه با رژیم صهیونیستی، یک فرصت جدید برای همکاری‌های بیشتر در این بخش از اقتصاد فراهم شده است. به‌واسطه ایجاد خط لوله «اشکون ایلات» رژیم صهیونیستی می‌تواند یک همکار راهبردی برای رساندن نفت حوزه دریای خزر به بازارهای آسیای شرقی باشد که این موضوع باوجود خطوط لوله گاز محور شرق به غرب همانند باکو تفلیس ارزروم و همچنین ناکو دور از دسترس برای اسرائیل نیست (کرمی ناوه‌کش و نظر پور، ۱۳۹۲: ۶۱). از همین رو باید یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش همکاری و روابط بین آذربایجان و اسرائیل را در مقوله سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی دید.

همکاری نظامی

آذربایجان در جهت افزایش امنیت خود به سوی قراردادهای متعدد نظامی رفته است. با توجه به افزایش درآمد این کشور بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳، بودجه دفاع خود را تقریباً ده برابر افزایش داده است که به ۳,۴ میلیارد دلار می‌رسد. این یک پرش از ۲,۲٪ تولید ناخالص داخلی به ۴,۷٪ است، به طوری که در حال حاضر هزینه‌های نظامی حدود ۱۲ درصد از هزینه‌های دولت را در برمی‌گیرد (Romin, 2015). این افزایش توان نظامی در جهت افزایش قابلیت دفاعی و امنیتی آذربایجان و همچنین برتری نظامی در قبال ارمنستان برای مناقشه بر سر قره‌باغ اس.

از سوی دیگر استقرار نیروهای مورد حمایت و متحد ایران در ورای مرزهای خود (لبنان) را به عنوان تهدیدی بالقوه تلقی کرده است. بنابراین با سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و امنیتی در آذربایجان به تلاش برای حفظ امنیت خود برآمده است. گالیا لیندنتسراس^۱ از کارشناسان مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل در مصاحبه‌ای با جرورالم پست^۲ نیز تصریح کرده بود که مرزهای جنوبی جمهوری آذربایجان برای اسرائیل اهمیت ویژه‌ای دارد. وی با بیان اینکه بیشتر جمعیت ایران و جمهوری آذربایجان را شیعیان تشکیل می‌دهند اشاره می‌کند که دو کشور روابط خوبی با یکدیگر نداشته و همین موضوع سبب شده است تا اسرائیل و جمهوری آذربایجان به هم‌پیمانانی طبیعی برای یکدیگر تبدیل شوند؛ زیرا هر دو ایران را خطری حیاتی می‌دانند (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۲۴). از همین رو به خاطر روابط تیره ایران و اسرائیل، می‌توان گفت که بیشترین تهدیدات از سوی بازیگران منطقه‌ی قفقاز از نگاه ایران حضور اسرائیل و تحکیم روابط آن با جمهوری‌های این منطقه به‌ویژه آذربایجان است. از نظر اسرائیلی‌ها، آذربایجان می‌تواند به‌عنوان متحد استراتژیک اسرائیل باشد؛ زیرا علاوه بر تجربیات تاریخی مثبت، ماهیت سکولار حکومت در جمهوری آذربایجان و گرایش‌های غرب‌گرایانه و نبود بنیادگرایی مذهبی در میان مردم آذربایجان، عامل مهمی در نزدیکی دو کشور بشمار می‌رود. در حالی که ایران یک کشور مذهبی است که با شعارهای نابودی اسرائیل یک کشور تهدیدکننده برای اسرائیل محسوب می‌شود. اسرائیل پایگاه‌های متعددی در جمهوری آذربایجان در اختیار

¹ Gallia Lindenstrass

² Jerusalem Post

دارد. برخی از این پایگاه‌ها در نزدیکی مرزهای ایران است. برای نمونه در پایگاه سیتالکای^۱ که در ۲۹ کیلومتری شمال باکو واقع شده است، اسرائیل در حال نصب سیستم‌های راداری ره‌گیری موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین است (ارجمند و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۹). یحیی موسی اف^۲ معاون وزیر صنایع دفاعی جمهوری آذربایجان در جلسه‌ای با یدیدیا یا‌آرین^۳ رئیس هیئت‌مدیره شرکت تسلیحاتی آیروناوتیکز^۴ اسرائیل از طرح مشترک وزارت دفاع و صنعت هوافضا جمهوری آذربایجان و این شرکت تسلیحاتی برای تولید پهپاد امضا کردند (News.az a, 2018).

همچنین اسناد محرمانه ویکیلیکس نیز که در آوریل ۲۰۱۱ منتشر شد، آشکار می‌کند که اسرائیل از خاک این جمهوری، در چهار سال گذشته علیه ایران جاسوسی کرده است. گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل سبب شده است که در ابتدای سال ۲۰۱۲ مقام‌های ایران اعلام کنند که دولت آذربایجان به عوامل موساد اجازه می‌دهد تا در طول مرزهای ایران برای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات اقدام کند. مقام‌های ایرانی بارها از روابط دوستانه جمهوری آذربایجان با اسرائیل ابراز نگرانی و دولت جمهوری آذربایجان را به همکاری با جاسوسان و تروریست‌های اسرائیل متهم کرده‌اند. رسانه‌های گروهی ایران از جاسوسی اسرائیل از مسیر آذربایجان خبر می‌دهند. (همان، ۷۱). خرید تسلیحات از اسرائیل در روابط این دو نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. آذربایجان حجم قابل‌توجهی تجهیزات نظامی از اسرائیل باهدف مقابله با همسایگان خود به‌ویژه ارمنستان وارد می‌کند. هواپیماهای بدون سرنشین، سیستم ضد هوایی و موشکی و سیستم گنبد آهنین که از پیچیده‌ترین سیستم‌های نظامی اسرائیل است، از جمله خریدهای نظامی آذربایجان از اسرائیل بوده است (Thehill, 2017). روابط نظامی آذربایجان و اسرائیل نشان می‌دهد که هر دو به همکاری به یکدیگر به‌صورت راهبردی موردتوجه قرار می‌دهند و از این رو این روابط با توجه به روابط تیره آذربایجان و ارمنستان به تعمیق حضور و نفوذ اسرائیل در آذربایجان منجر خواهد شد.

¹ Sitalcay

² Yahya Mosayev

³ Yedidya Ya'ari

⁴ Aeronautics

یهودیان آذربایجان

کشور آذربایجان به دلایل متعددی می‌تواند در راستای دکترین بن‌گورین مورد توجه اسرائیل قرار بگیرد. نخست اینکه آذربایجان وطن حدود ۱۱ هزار یهودی است که از ساکنین اولیه شهرهای آذربایجان هستند. علاوه بر آن پنج کنیسه در جمهوری آذربایجان وجود دارد و با توجه به اینکه اسرائیل نسبت به سرنوشت یهودیان در سراسر دنیا حساس است چنین پیش‌زمینه‌ای سبب تمایل هرچه بیشتر اسرائیل برای همکاری با جمهوری آذربایجان شده است. جمهوری آذربایجان سومین کشور مسلمانی است که بعد از مصر و ترکیه با اسرائیل رابطه راهبردی برقرار کرده است (Abilov, 2010: 318-319). از سوی دیگر باید اهمیت همکاری نظامی اسرائیل و آذربایجان را به خاطر وجود یهودیان این کشور و حمایت از آن‌ها برای تأمین امنیت یهودیان آذربایجان دانست. طبق گزارش ۲۰۱۴ اتحادیه ضد افترا^۱ که از مهم‌ترین سازمان‌های حمایت از حقوق بشر در آمریکا قلمداد می‌شود و اصلی‌ترین وظیفه خود را «مقابله با یهودستیزی و حمایت از حقوق مدنی شهروندان و هر نوع نژادپرستی و مقابله با هر نوع نفرت پراکنی» معرفی می‌کند ارمنستان را در میان تمام جمهوری‌های شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی در صدر بالاترین نگرش ضد یهودی، در حدود ۵۸ درصد جمعیت بالغ این کشور، قرار می‌دهد. این در حالی است که از نگاه اسرائیل از قرن پنجم تا امروز یهودیان آذربایجان در صلح و رفاه زندگی کرده‌اند و در زمان هولوکاست، آذربایجان به‌عنوان یک پناهگاه برای یهودیان اروپایی بوده است (Hoffman, 2018). بدین ترتیب علت نزدیکی بیش‌ازاندازه اسرائیل به آذربایجان نسبت به ارمنستان نیز به سبب یهودیان ساکن در آذربایجان و حفاظت از آن‌ها نیز است. در سال ۲۰۱۶ گزارش شده است که آذربایجان ۵ میلیارد دلار برای تجهیزات دفاع از اسرائیل از جمله سیستم موشکی گنبد آهنین که برای دفاع از شهروندان اسرائیلی استفاده شده بود را برای محافظت از شهرهای مدرن آذربایجان و مردمشان در مقابل موشک‌های ارمنی خریداری کرده است (پیشین). بدون شک فروش این سیستم بدون صلاح‌دیدهای امنیتی برای شهروندان یهودی نیست. علاوه بر آن روابط رو به گسترش آذربایجان و اسرائیل را باید به‌عنوان مسئله مهم در روابط آن دو دانست. دان ایس سفیر^۲ اسرائیل در آذربایجان در این خصوص اهمیت این موضوع می‌گوید که پس از اعلام استقلال آذربایجان، اسرائیل چهارمین

^۱ Anti-Defamation League

^۲ Dan Stav

کشوری است که استقلال آن را به رسمیت شناخت. وجود جامعه یهودی در آذربایجان از زمان‌های قدیم بخش ویژه‌ای از روابط دوجانبه محسوب می‌شود و تعداد گردشگران اسرائیلی که در سال جاری به آذربایجان سفر می‌کنند، سه برابر و بیش از ۵۰ هزار نفر است (News.az, 2018, b). از این رو، حضور یهودیان در آذربایجان و همچنین افزایش سفرهای یهودیان به آذربایجان باعث می‌گردد که این کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه قفقاز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. توجه اسرائیل به این کشور بر اساس دکترین پیرامونی که در آن محافظت از یهودیان نیز در دستور کار قرار دارد سبب می‌شود که آذربایجان در منطقه قفقاز دارای اهمیت راهبردی برای اسرائیل باشد.

نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز جنوبی (هم‌زمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) نگاه بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به خود جلب کرد. اسرائیل به‌عنوان یکی از قدرت‌های فرا منطقه‌ای بنا به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و بر اساس دکترین بن‌گوریون و دکترین خاورمیانه جدید شیمون پرز، تمایلی جدی به حضور در این منطقه را از خود نشان داده است. کشورهای منطقه از جمله آذربایجان نیز برای نزدیک شدن به غرب اسرائیل را واسطه‌ای می‌دانست که می‌توانست این هدف را تأمین کند. مشکلات اقتصادی، سیاسی و توسعه‌ای خود، بهره‌گیری از توانایی‌های اسرائیل را در راستای منافع خود نیز می‌توانست مفید قلمداد شود؛ اما مسئله حائز اهمیت در این میان، قرار گرفتن این منطقه در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تعارضات شدید هویتی-ایدئولوژیکی این کشور با اسرائیل است به طوری که حضور و گسترش نفوذ اسرائیل در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی-امنیتی به‌منزله کاهش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در پیگیری منافع ملی‌اش در این منطقه است. اهمیت روزافزون منطقه قفقاز جنوبی به‌ویژه در مناسبات جدید جهانی و صف‌بندی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در آرایش قوا و اثرگذاری بر مناسبات کشورها مؤثر است از این رو، دکترین بن‌گورین استراتژی اسرائیل برای ایجاد روابط با کشورهای پیرامونی بود که به سبب متخاصم شناخته شدن از سوی جهان عرب باعث شد تا رویکرد سیاست خارجی اسرائیل به‌سوی کشورهایی چون آذربایجان معطوف گردد. ویژگی منحصر به فرد ارتباطی با آذربایجان به خاطر ذخایر انرژی منطقه قفقاز که سهم عمده آن مرتبط با کشور آذربایجان است مربوط

می‌شود. به موازات خرید نفت و گاز از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، اسرائیل یافتن بازارهای جدید تجاری و اقتصادی در منطقه جهت فروش کالاها و خدمات صنعتی، مخابراتی، کشاورزی، دارویی و... خود به آذربایجان را هم هدف‌گذاری کرده است. هم‌اکنون خطوط لوله انتقال نفت و گاز آذربایجان از طریق خاک گرجستان و ترکیه در حال انتقال انرژی است و یکی از مشتریان و مصرف‌کنندگان این محصول حیاتی و استراتژیک، رژیم اشغالگر قدس است. از طرفی ارتباط اسرائیل با آذربایجان می‌تواند توجه این دولت‌ها را به مسئله اشغالگری این رژیم تحت‌الشعاع قرار داده و این مسئله مهم و حیاتی برای جهان اسلام را، حداقل در سطح این کشورها کم‌رنگ‌تر کند. بدین ترتیب علاوه بر بعد اقتصادی، اهمیت ژئوپلیتیک استراتژیک، ژئوپلیتیک و قفقاز جنوبی و خزر از دلایل دیگر حضور اسرائیل در منطقه و ارتباط با کشور آذربایجان است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آجیلی، هادی؛ بهادر خانی، محمدرضا (۱۳۹۳). «اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۱۰، صص ۱۲۹-۱۵۶.
- ارجمند، محمدجعفر جوادی؛ رضازاده، حبیب؛ حضرت پور، سعیده (۱۳۹۲)، «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۵۷-۸۰.
- امیدی، خیری (۱۳۹۵). «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۷۳، صص ۱۳۷-۱۵۸.
- ترابی، قاسم؛ کیانی، فریبا (۱۳۹۳). «تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین از منظر واقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز، شماره ۸، صص ۱-۳۲.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴). «کار ویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان، صص ۲۷-۵۰.
- حضی‌نیا، ناصر (۱۳۹۳). «معادلات قدرت در محیط امنیتی قفقاز جنوبی»، فصلنامه سیاست خارجی، بهار، شماره ۱۰، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- خیری، مصطفی؛ ایزدی، رجب (۱۳۹۶). «منافع روسیه در خارج نزدیک با تاکید بر ارمنستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۰، صص ۲-۲۴.
- رادگودرزی، معصومه (۱۳۹۵). «روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان: بنیادها و الزامات»، فصلنامه سیاست جهانی، پاییز، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۸۵-۲۱۸.
- نیاکوئی، سیدامیر؛ کریمی‌پور، داود (۱۳۹۴). «دیپلماسی انرژی اسرائیل: مبانی و اهداف منطقه‌ای»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره بیست و دوم، بهار، صص ۲۷-۵۸.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال.
- کرمی‌ناوه‌کش، محسن؛ نظر پور، داوود (۱۳۹۲). «منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان، تحرکات انرژی اسرائیل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۴۹، صص ۴۹-۷۴.

- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**. علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- مؤمنی، مجیدرضا؛ رحیمی، امید (۱۳۹۶). «تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی - امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان»، **دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره دهم، شماره ۲، صص ۴۱۵-۴۳۱.
- نیاکوئی، سید امیر؛ کریمی پور، داود (۱۳۹۴). «دیپلماسی انرژی اسرائیل: مبانی و اهداف منطقه‌ای»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۲۲، صص ۲۷-۵۸.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۵). «تعامل سیاست خارجی ایران و روسیه در تقابل با محور شرقی - غربی در قفقاز جنوبی»، **دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، پاییز و زمستان، دوره نهم - شماره ۲، صص ۴۱۳-۴۳۲.

ب) منابع انگلیسی

- Abilov, Shamkhal (2010). "The Azerbaijan-Israel Relations: A Non-Diplomatic, but Strategic Partnership", USAK Yearbook of International Politics and Law, No. 3, pp. 317-331
- Bahgat, Gawdat (2011). 'Israel's Energy Security: Regional Implications', Middle East Policy, Vol. 18, No. 3, pp. 25-34
- BBC. (2012, march 22). **به اسرائیل برای حمله به ایران پایگاهی ندادیم: جمهوری آذربایجان**. Retrieved from Bbc: http://www.bbc.com/persian/iran/2012/03/120329_an_iran_azerbaijan_israel_military
- BP Statistical Review of World Energy. (2015). 64th Edition, pp.20-22. <http://www.bp.com/statisticalreview#Bpstats>, (Accessed on: 18/1/2015.)
- Bourtman, I (2006). 'Israel and Azerbaijan's Furtive Embrace', Middle East Quarterly, Vol. 13, No. 3, pp. 47-57.
- Ehrmann, Maya, Kraus, Josef, Souleimanov, Emil (2013). "The Iran-Israel-Azerbaijan Triangle: Implications on Regional Security, at: <http://www.isvav.cz/resultDetail.do?jsessionid>
- Hoffman, M (2018, July 02). Driving a wedge between Israel and Azerbaijan. Retrieved from news.az: <https://news.az/articles/politics/132099>
- Kirshner, jonathan (2010). the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china, Europea, journal of international relations
- Murinson, Alexander (2014). "the Ties between Israel and Azerbaijan", the Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University

- News.az a (2018, July 11). Azerbaijan and Israel will jointly produce new types of unmanned aerial systems. Retrieved from news.az: <https://news.az/articles/politics/132306>
- News.az b (2018, May 02). Ambassador: Israel, Azerbaijan enjoy multilateral and strategic relations. Retrieved from <https://news.az/articles/politics/130873>
- Resende-Santos, Joao (2007). Neorealism, States, and the Modern Mass Army. New York: Cambridge University Press.
- Romain (2015, oct 14). Can Azerbaijan still afford not to choose a strategic alliance? Retrieved from romain: <http://www.romain.su/can-azerbaijan-still-afford-not-to-choose-a-strategic-alliance/>
- Thehill (2017). Azerbaijan and Israel—genuine Muslim-Jewish relations, <http://originnyi.thehill.com/blogs/congress-blog/foreign-policy/312506-azerbaijan-and-israel-genuine-muslimjewish-relations-and>